

تحلیله بر آثار مالیات بر عایدی سرمایه در اقتصاد ایران

مهتاب مرادزاده^۱

چکیده

مالیات بر عایدی سرمایه، مالیاتی است که بر اختلاف قیمت خرید و فروش دارایی وضع می‌شود. در ایران تولیدکنندگان و کارمندان ملزم به پرداخت مالیات هستند، اما سرمایه‌داران و سوداگران نسبت به عایدی کسب‌شده از سرمایه و سوداگری، مالیاتی پرداخت نمی‌کنند. این بی‌عدالتی مالیاتی موجب تشویق افراد اقتصادی به سمت فعالیت‌های غیرمولد می‌شود. لذا مهم‌ترین هدف اعمال مالیات بر عایدی سرمایه، حمایت از تولید و سرمایه‌گذاری مولد با محدود کردن فعالیت‌های سوداگرانه، کاهش نوسانات بازارهای دارایی از جمله خودرو، مسکن، طلا و ارز و نیز جلوگیری از افزایش قیمت ناگهانی در این بازارها، بهبود عدالت مالیاتی، ترغیب بنگاه‌ها به تأمین مالی داخلی و ارتقای کارایی (با توجه به اثر قفل‌شدگی) است. یکی از راه‌های کاهش فعالیت‌های نامولد در کشور، افزایش هزینه‌های انجام این فعالیت‌هاست که با ابزار مالیات بر عایدی سرمایه به‌تنهایی ثمربخش نیست و لازم است هم‌زمان، محیط کسب‌وکار و سرمایه‌گذاری در کشور نیز بهبود یابد و رفع موانع موجود بر سر راه فعالیت‌های مولد و تولیدی در دستور کار قرار گیرد. در این نوع پایه مالیاتی حتماً باید ملاحظاتی مانند «تمایز بین عایدی واقعی و عایدی غیرواقعی و نحوه تفکیک آن در دارایی‌های مختلف»، «تورم و عواید سرمایه‌ای بلندمدت و کوتاه‌مدت» و «لحاظ زیان‌های سرمایه‌ای در محاسبه عایدی خالص» را در نظر گرفت. در نهایت اجرای طرح مالیات بر عایدی سرمایه دست‌کم در کوتاه‌مدت و تا زمان رسیدن به بلوغ کافی نمی‌تواند موجب کاهش تورم و حل و فصل مشکلات ایجادشده در بازارهای ارز، خودرو، مسکن و... شود.

واژگان کلیدی: عایدی سرمایه، مالیات بر عایدی سرمایه (CGT)، تورم، سوداگری، فرار مالیاتی، قفل شدن دارایی.

مقدمه

کمبود اطلاعات در حیطه درآمدها و عدم اخذ مالیات بر عایدات سرمایه‌ای و نیز معافیت بسیاری از بنگاه‌های وابسته به نهادها و مؤسسات عمومی از پرداخت مالیات، مالیات‌ستانی به‌صورت اختلال‌زا از افرادی صورت می‌گیرد که اطلاعات کافی از آن‌ها داریم درحالی‌که از درآمدهای بخش نامولد و رانت‌هایی که برای ائتلاف غالب ایجاد می‌شود و هزاران میلیارد تومان عایدات سرمایه‌ای ایجاد می‌کند، هیچ‌گونه مالیاتی اخذ نمی‌شود. مالیات بر عایدات

در کشور ما، جریان درآمد ناشی از دارایی‌ها و ثروت‌ها بسیار قوی و عایدات سرمایه‌ای هم‌خیلی بالاست. در اقتصادهای سالم و قوی، تورم پایین و عایدات سرمایه‌ای بسیار محدود است. هر ثروتی که شکل می‌گیرد به‌عنوان درآمد زائد بر مصرف و مخارج، پیش‌تر بسته به منشأ و ماهیت آن، از آن مالیات کسر شده است و مالیات بر ثروت موضوعیت چندانی ندارد. در وضعیت کنونی اقتصاد ما، به دلیل

۱. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد، اقتصاد توسعه و برنامه‌ریزی، دانشکده اقتصاد، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

ایران ارائه می‌شود. در قسمت دوم، پاسخ به پرسش‌های تحقیق با نگاه موشکافانه و بیان نقاط قوت و ضعف آن ارائه می‌شود و در بخش پایانی، نتیجه‌گیری و راهکارهای پیشنهادی ارائه می‌شود.

۱- تحلیلی از وضعیت موجود مالیات‌ستانی در اقتصاد ایران

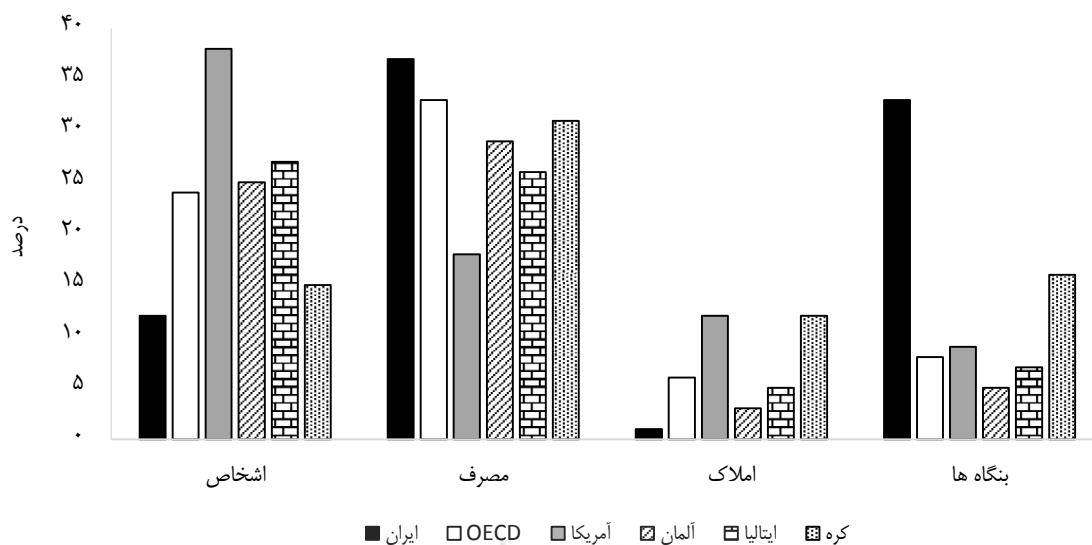
مالیات در عین حال که مهم و اخذ آن ضروری است، باید ستاندن آن به گونه‌ای باشد که حالت اختلال‌زا پیدا نکند. شواهد موجود نشان می‌دهد که مالیات‌ستانی در ایران اختلالی، عادلانه و کارا نیست. مقایسه مالیات در ایران با کشورهای پیشرفته و توسعه‌یافته گویای این است که مالیات در اقتصاد ایران اختلال‌زا و محدودکننده است و عمدتاً فشار مالیات روی بنگاه‌های تولید و مصرف‌کنندگان است در حالی که املاک و ساختمان که منشأ درآمدهای بسیار بالاست و سودهای کلان آن اقتصاد را تحت تأثیر قرار داده و حتی خود این بخش را هم در رکود فرو برده است، مالیات ناچیزی می‌پردازد.

هنگامی که املاک و مستغلات (یا دارایی‌های مالی مانند سهام) فروخته می‌شود، بخش عمده‌ای از مابه‌التفاوت قیمت فروش از هزینه‌های اکتساب، عایدی‌های اسمی است که به دلیل افزایش قیمت کالاها و خدمات مصرف‌کننده ایجاد شده است.

سرمایه‌ای زمین و مسکن مستلزم استقرار کامل اسناد مالکیت و به تبع آن، ثبت اسناد هوشمند است. در غیر این صورت مالیات‌ستانی از موارد یادشده وضعیت را بدتر می‌کند. در این باره نکات مهم و پرسش‌هایی به شرح زیر مطرح است که ضروری است در تبیین اهداف طرح مالیات بر عایدی سرمایه به هریک از آن‌ها پرداخته شود.

- ۱- آیا شرایط تورمی موجود در کشور، کارایی این نوع سیاست را از بین نمی‌برد؟
 - ۲- این طرح چگونه با کنترل تقاضای سوداگرانه ارز مقابله می‌کند؟
 - ۳- شرایط لازم و کافی برای اجرای مالیات بر عایدی سرمایه چیست؟
 - ۴- چگونه افزایش تمایل به معاملات غیررسمی در بازار برای فرار مالیاتی کنترل می‌شود؟
 - ۵- از جمله نقدهای وارد بر طرح مالیات بر عایدی سرمایه، خروج سرمایه و قفل شدن دارایی‌هاست. چه تضمینی برای عدم خروج سرمایه با اجرایی کردن این طرح وجود دارد؟
 - ۶- با توجه به معافیت بورس از مالیات بر عایدی سرمایه‌ای و عمق کم بازار سرمایه، آیا تقاضای سوداگرانه و سفته‌بازانه در بورس شکل می‌گیرد؟
 - ۷- ویژگی‌های اجرایی این طرح در برابر مالیات بر خانه‌های خالی چیست؟
- با توجه به پرسش‌های بالا، تحقیق حاضر به گونه‌ای تنظیم شده است که در قسمت نخست، تحلیلی از وضعیت موجود مالیات‌دهی در اقتصاد

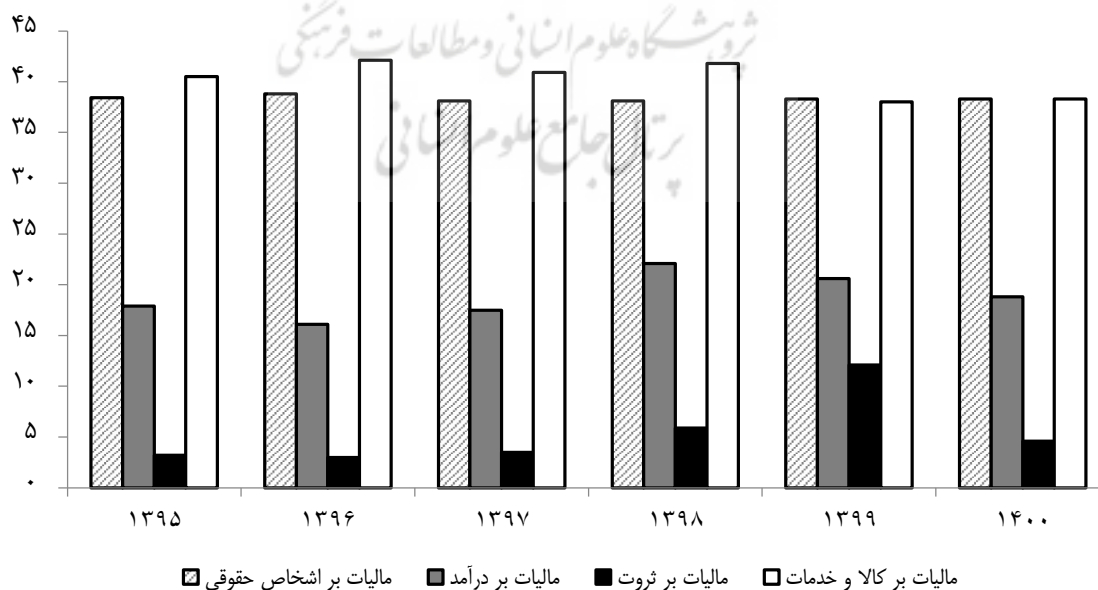
نمودار ۱- سهم بخش‌های مختلف از مالیات و مقایسه وضعیت آن با کشورهای پیشرفته



مأخذ: وبگاه صندوق بین‌المللی پول، ۲۰۱۹

به عبارت دیگر، وصول مالیات در کشور بیشتر بر مالیات‌های سهل‌الوصول مانند مالیات بر درآمد، کالاها و خدمات (ارزش‌افزوده) متمرکز شده است و مالیات بر ثروت موضوعیت چندانی ندارد. این در حالی است که در کشور، عایدات سرمایه‌ای و ثروت‌ها معمولاً از مجرای درآمدهای اکتسابی ناشی از کار مولد انباشت نمی‌شوند.

نمودار ۲- ترکیب درآمدهای مالیاتی دولت در سال‌های ۱۴۰۰-۱۳۹۵ (درصد)



مأخذ: مرکز آمار ایران

می‌کند. همچنین، معافیت این پایه درآمدی منجر به اختلال در تخصیص منابع می‌شود و فعالان اقتصادی را از سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های مولد به سمت سرمایه‌گذاری در دارایی‌های ثابت که سهمی در تولید ارزش افزوده اقتصادی ندارند، سوق می‌دهد.

در ادامه، به اهداف طرح مالیات بر عایدی سرمایه و بسترهای اجرایی آن می‌پردازیم.

۱-۲- اهداف طرح مالیات بر عایدی سرمایه

مالیات بر عایدی سرمایه، مالیاتی است که بر اختلاف قیمت خرید و فروش دارایی وضع می‌شود. به‌طور کلی، سه هدف اصلی از وضع مالیات بر عایدی سرمایه دنبال می‌شود.

- حمایت از تولید با کاهش سود فعالیت‌های غیرمولد رقیب تولید.
 - کاهش سوداگری و ایجاد ثبات در بازارهای دارایی با کاهش نوسانات.
 - برقراری عدالت مالیاتی میان سوداگران و سرمایه‌داران با تولیدگران و کارمندان
 - هدف نخست: حمایت از تولید با کاهش سود فعالیت‌های غیرمولد رقبا
- مهم‌ترین هدف اعمال مالیات بر عایدی سرمایه، حمایت از تولید و سرمایه‌گذاری مولد با محدود کردن فعالیت‌های سوداگرانه، کاهش نوسانات بازارهای دارایی از جمله خودرو، مسکن، طلا و ارز و نیز جلوگیری از افزایش قیمت ناگهانی در این بازارها، بهبود عدالت مالیاتی، ترغیب بنگاه‌ها به تأمین مالی داخلی و ارتقای کارایی (با توجه به اثر قفل‌شدگی) است.

وضعیت مالیات‌ستانی آن هم به شکل اختلال‌زا و غیرعادلانه یادشده در بالا، فضای کسب‌وکار را برای عوامل مولد تیره و نامطمئن‌تر و زمینه را برای گسترش فعالیت‌های نامولد، غیررسمی و قاچاق فراهم می‌کند؛ زیرا مالیات‌دهی ائتلاف غالب و عوامل اقتصادی خصوصی که می‌توانند درآمد خود را پنهان کنند، بسیار محدود است و عوامل نامولد و صاحبان عایدات فراوان سرمایه‌ای هم مالیات نمی‌دهند.

۲- طرح مالیات بر عایدی سرمایه

در سال ۱۳۹۹، به پیشنهاد برخی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی، طرحی با عنوان طرح «مالیات بر عایدی سرمایه» مطرح شد. در مقدمه توجیهی این طرح، حمایت از تولید و سرمایه‌گذاری مولد، کاهش نوسانات بازارهای دارایی از جمله خودرو، مسکن، طلا و ارز و نیز جلوگیری از افزایش قیمت ناگهانی در این بازارها از مهم‌ترین اهداف اعمال مالیات بر عایدی سرمایه بیان شده و دستیابی به اهداف مورد اشاره در گرو خروج سوداگران از این بازارها اعلام شده است؛ زیرا برای تحقق رشد و رونق اقتصادی و به تبع آن، اشتغال، لازم است سرمایه‌گذاران به بخش‌ها و فعالیت‌های مولد به‌عنوان موتور اصلی بخش حقیقی اقتصاد سوق داده شوند. از دلایل دیگری که در ضرورت اجرای مالیات بر عایدی سرمایه در اقتصاد ایران مطرح می‌شود، این است که معافیت عایدی سرمایه در کنار مشمول کردن دیگر منابع درآمدی موجب افزایش نابرابری در توزیع درآمد می‌شود و صاحبان دارایی‌های ثابت را به زیان فعالیت‌های مولد اقتصادی و صاحبان نیروی کار منتفع

طرح مهیا و قوانین لازم را اجرا کند. قانونی که برای اجرای طرح مالیات بر عایدی سرمایه لازم است، قانون پایانه‌های فروشگاهی است که باید به‌درستی اجرا شده باشد و به‌عنوان زیرساخت اجرای این قانون قرار بگیرد.

- درباره زمان تصویب و اجرای این طرح نیز ذکر این مهم ضروری است که برای اقدام به اصلاحات جدی از جمله اصلاحات عمده در قوانین مالیاتی، افزون‌بر مطلوب بودن وضعیت سرمایه اجتماعی و محبوبیت سیاسی بالای دولت اجراکننده، لازم است کشور دارای ثبات اقتصادی در سطح کلان باشد و پایین‌ترین سطوح تورم را تجربه کند.

- منظور از بستر اجرایی، فرایندی است که سازمان امور مالیاتی از طریق آن تمام معاملات مشمول مالیات بر عایدی سرمایه را شناسایی و مالیات اشخاص را تعیین کند. حداقل اطلاعات لازم برای وضع مالیات بر عایدی سرمایه عبارت از اطلاعات قیمت خرید، قیمت فروش و دوره نگهداری دارایی است. تولید این اطلاعات برای محاسبه مابه‌التفاوت قیمت فروش و قیمت خرید و نیز محاسبه میزان مالیات قابل پرداخت بر اساس دوره نگهداری دارایی مستلزم وجود زیرساخت‌های اجرایی ویژه است. با توجه به تعداد بالای اشخاص حقیقی مشمول مالیات بر عایدی سرمایه، اجرای این مالیات با تکیه بر عوامل انسانی (ممیز مالیاتی) نه تنها مطلوب

دستیابی به هدف مورد اشاره در گرو خروج سوداگران از این بازارهاست؛ زیرا برای تحقق رشد و رونق اقتصادی و به‌تبع آن، اشتغال، لازم است سرمایه‌گذاران به بخش‌ها و فعالیت‌های مولد به‌عنوان موتور اصلی بخش حقیقی اقتصاد سوق داده شوند.

گفتنی است افزایش هزینه فعالیت‌های نامولد در کشور از طریق ابزاری مانند مالیات بر عایدی سرمایه به‌تنهایی ثمربخش واقع نمی‌شود و لازم است هم‌زمان محیط کسب‌وکار و سرمایه‌گذاری در کشور نیز بهبود یابد و رفع موانع موجود بر سر راه فعالیت‌های مولد و تولیدی در دستور کار قرار گیرد. در غیر این صورت اجرای این پایه مالیاتی می‌تواند خروج سرمایه از کشور، افزایش فعالیت‌های غیررسمی و بازارهای غیرشفاف را رقم بزند.

پاسخ پرسش ۳: شرایط لازم و کافی برای

اجرای مالیات بر عایدی سرمایه چیست؟

تعریف این پایه جدید مالیاتی مستلزم توجه به سه اصل است. ۱- پابندی به اصول علمی در طراحی و تعریف مالیات بر عایدی سرمایه، ۲- تدارک بستر اجرایی مناسب و ۳- انتخاب زمان درست برای اجرا که با رعایت این سه اصل می‌توان شرایط مناسبی از حیث «تمکین در برابر مقررات» و «سازگاری با انگیزه‌های مؤدیان» به وجود آورد و اجرای موفقیت‌آمیز این پایه مالیاتی را رقم زد.

- برای اجرای این طرح باید فضا و محیط کسب‌وکار آمادگی لازم را از نظر سخت‌افزاری و نرم‌افزاری داشته باشد. از این‌رو دولت باید با برنامه‌ریزی، امکانات لازم را برای اجرای این

اشخاص با هر سطح دانش و مهارت و در هر نقطه کشور به آسانی انجام پذیر باشد. اگر این موارد در طراحی بستر اجرایی لحاظ نشوند، این قانون فاقد پذیرش اجتماعی است و در عمل با چالش جدی در اجرا مواجه می شود. برای اجرای مالیات بر عایدی سرمایه، دو نوع سیستم مالیاتی تعهدی^۱ و تحقق یافته^۲ وجود دارد که انتخاب هریک از آنها با ملاحظات متعددی روبه روست. تحت سیستم تعهدی، مالیات در نخستین فرصت ممکن و به محض تغییر در ارزش دارایی باید وصول شود. از مشکلات این رویکرد، «ارزش گذاری» و نقدینگی است. برخی از سرمایه گذاران تحت چنین شرایطی برای پرداخت بدهی مالیاتی مجبور به فروش برخی از دارایی هایشان می شوند تا بتوانند دارایی های دیگر خود را نگه دارند.

نیست، بلکه عملاً امکان پذیر هم نیست. فرایندهای مالیات ستانی باید به گونه ای طراحی شود که دخالت عوامل انسانی در آنها حداقلی باشد. تجربه کشور در محاسبه و اخذ مالیات توسط عوامل انسانی نشان می دهد که وجود عامل انسانی در برخی موارد موجب اجحاف به مؤدیان و در برخی موارد هم موجب فساد در فرایند محاسبه و اخذ مالیات می شود. گسترش رابطه میان مؤدی و ممیز مالیاتی از اشخاص حقوقی و مشاغل به تمام افراد جامعه موجب تعمیق مشکلات کنونی و ایجاد نارضایتی می شود. همچنین، در طراحی و وضع قوانین مالیاتی برای اشخاص حقیقی باید تکالیف مؤدیان به گونه ای باشد که تکالیف یاد شده برای همه

شکل ۱- مزایا و معایب به کارگیری روش تعهدی در پیاده سازی مالیات بر عایدی سرمایه



مأخذ: مهاجری، پریسا (۱۴۰۱)، اتاق بازرگانی ایران

1. Accrual
2. Realization

برای همین، مالیات‌ستانی به شیوه «تحقق‌یافته» انجام می‌شود؛ یعنی مالیات تنها در زمان فروش دارایی و تحقق عایدی یا زیان قابل اعمال خواهد بود.

از آنجاکه برخی دارایی‌ها به صورت متناوب ارزش‌گذاری نمی‌شوند یا مبادله‌ای روی آن‌ها صورت نمی‌گیرد، شناسایی دوره‌ای و منظم ارزش این دارایی‌ها بسیار پرهزینه است.

شکل ۲- مزایا و معایب به‌کارگیری روش تحقق‌یافته در پیاده‌سازی مالیات بر عایدی سرمایه



مأخذ: مهاجری، پریسا (۱۴۰۱)، اتاق بازرگانی ایران

پاسخ پرسش ۵: از جمله نقدهای وارد بر طرح مالیات بر عایدی سرمایه، خروج سرمایه و قفل شدن دارایی‌هاست. چه تضمینی برای عدم خروج سرمایه با اجرایی کردن این طرح وجود دارد؟

اخذ مالیات بر عایدی سرمایه بر اساس شیوه تحقق‌یافته، هنگام فروش دارایی‌ها قابل اعمال است. در این شیوه مالیات‌ستانی، چالش‌های نقدینگی و ارزش‌گذاری دارایی بروز نمی‌یابد، اما مسئله‌ای به نام اثر قفل‌شدگی پدیدار می‌شود. هنگامی که مالک یک دارایی بر این باور است که دارایی دیگری بازدهی بالاتری برایش فراهم می‌کند، فروش دارایی نخست و خرید دارایی دوم رفتاری عقلایی است، اما اگر نرخ‌های مالیات بر عایدی سرمایه به اندازه‌ای بالا باشد که در صورت فروش دارایی اول، شخص با بدهی

همان‌طور که توضیح داده شد، کاستی‌های روش تعهدی (به‌ویژه بحث نقدینگی و ارزش‌گذاری) سبب شده است تا عایدی‌های سرمایه‌ای بر اساس تحقق مشمول مالیات شوند. بدین معنا که مالیات تنها زمانی وضع می‌شود که سرمایه‌گذار تصمیم بگیرد سرمایه خود را از بازار خارج سازد و سود خود را محقق کند. یکی از مهم‌ترین آثار اقتصادی این روش، ایجاد این انگیزه برای صاحبان سرمایه است که سرمایه‌گذاری‌های کنونی خود را حفظ کنند حتی اگر فرصت‌های مولدتر و سودآورتری برایشان فراهم باشد. اقتصاددانان از این نتیجه با نام اثر «قفل شدن» یاد می‌کنند. سرمایه‌ای که در سرمایه‌گذاری‌های غیربهبینه قفل شده است و به فرصت‌های سودآورتر اختصاص نمی‌یابد، مانع تولید اقتصادی می‌شود.

تفکیک آن در دارایی‌های مختلف»، «تورم و عواید سرمایه‌ای بلندمدت و کوتاه‌مدت» و «لحاظ زیان‌های سرمایه‌ای در محاسبه عایدی خالص» را در نظر گرفت.

• هدف دوم: کاهش سوداگری و ایجاد ثبات در بازارهای دارایی با کاهش نوسانات قیمتی

- افراد به دلیل انتظار افزایش قیمت دارایی‌هایی مانند مسکن، خودرو، طلا و ارز، اقدام به خرید و نگهداری آن‌ها می‌کنند تا در آینده با قیمت بیشتری به فروش برسانند. این تقاضای سوداگری موجب نوسانات قیمتی در این بازارها می‌شود و به دلیل چسبندگی رو به بالای قیمت‌ها منجر به افزایش قیمت دارایی‌ها می‌شود. همان‌طور که در نمودار شماره ۳ ملاحظه می‌شود، ضمن هم‌جهت بودن، رشد قیمت زمین و مسکن در ۲ دهه اخیر خیلی بیشتر از رشد نقدینگی بوده است. دلیل اصلی این تفاوت این است که سهم نسبتاً بیشتری از نقدینگی صرف معاملات مربوط به زمین و مسکن می‌شده است.

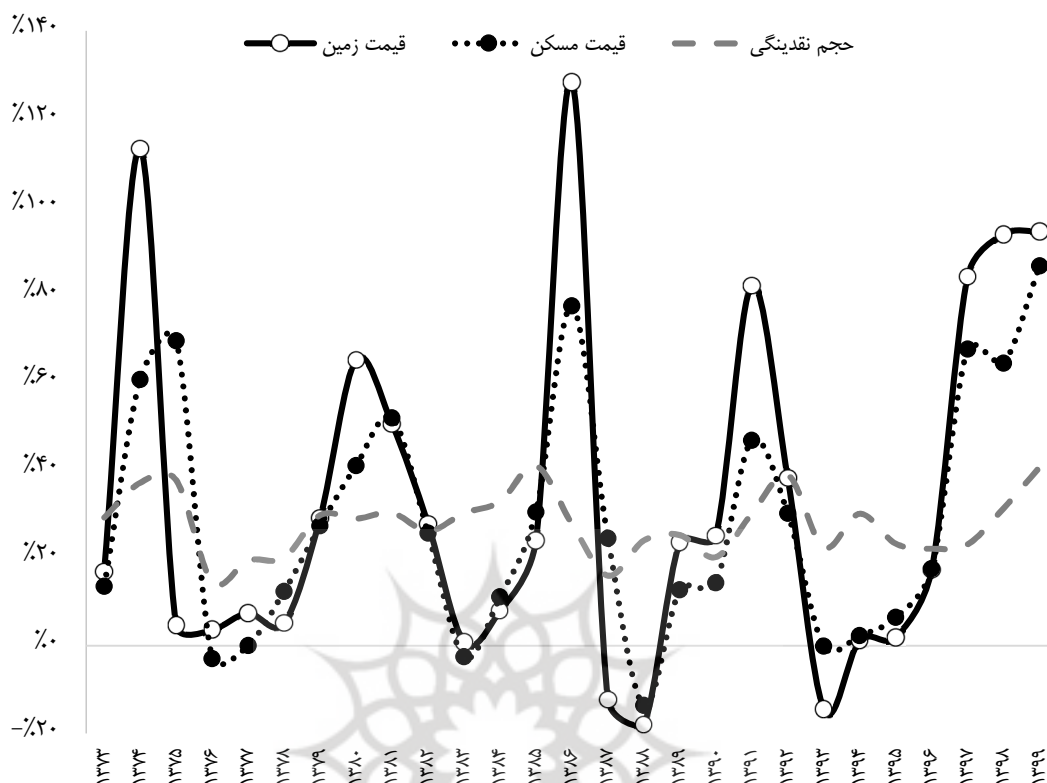
وصول مالیات در کشور بیشتر بر مالیات‌های سهل‌الوصول مانند مالیات بر درآمد، کالاها و خدمات (ارزش‌افزوده) متمرکز شده است.

مالیاتی جدی‌ای روبه‌رو شود، ممکن است از فروش آن منصرف شود. بدین ترتیب، اعمال مالیات بر عایدی سرمایه موجب اختلال در تصمیمات سبد دارایی اشخاص و ظهور اثر قفل‌شدگی می‌شود. اثر قفل‌شدگی در کشورهای که ساختار نرخ‌های مالیاتی تصاعدی را مبنای وضع مالیات قرار می‌دهند، به مراتب مهم‌تر از آن دسته از کشورهای است که از ساختار نرخ مالیاتی تناسبی استفاده می‌کنند.

برای مقابله با اثر قفل شدن ناشی از به‌کارگیری سیستم مالیاتی تحقیق‌یافته، برخی کشورها از «امتیاز تعویق پرداخت مالیات»^۱ استفاده می‌کنند و تحت شرایط خاصی، امکان استفاده از آن را برای مالکان دارایی‌ها فراهم می‌سازند. براین اساس، افراد هنگام فروش دارایی در ازای خرید همان دارایی یا دارایی مشابه، مالیات بر عایدی سرمایه پرداخت نمی‌کنند. استفاده از امتیاز تعویق پرداخت مالیات تا اندازه‌ای موجب حذف عدم کارایی ناشی از آثار قفل شدن دارایی‌ها می‌شود، اما به دلیل وجود انگیزه برای ادامه سرمایه‌گذاری در دارایی‌های مشابهی که از این معافیت برخوردارند، به‌طور کامل نمی‌توان بر مسئله «قفل شدن» فائق آمد. عمده راهکاری که کشورها برای کاهش آثار قفل شدن دارایی استفاده می‌کنند، اعمال نرخ‌های مالیاتی پایین‌تر و مشمول مالیات کردن بخشی از عواید سرمایه‌ای است.

در این نوع پایه مالیاتی حتماً باید ملاحظاتی مانند «تمایز بین عایدی واقعی و عایدی غیرواقعی و نحوه

نمودار ۳- روند رشد نقدینگی و قیمت زمین و مسکن



مأخذ: وبگاه بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

عمده‌ای از مابه‌التفاوت قیمت فروش از هزینه‌های اکتساب، عایدی‌های اسمی است که به دلیل افزایش قیمت کالاها و خدمات مصرف‌کننده ایجاد شده است. مالیات‌ستانی از عایدی‌های اسمی سبب می‌شود که نرخ مالیات مؤثر روی عایدی‌های سرمایه‌ای تعدیل‌شده با نرخ واقعی افزایش یابد. همچنین، بسیاری از افراد ملزم به پرداخت مالیات بر عایدی عمده‌ای هستند که چه‌بسا اگر تعدیل نسبت به تورم صورت می‌گرفت، قیمت فروش کمتر از هزینه‌های واقعی اکتساب دارایی بود. موضوع تورم و ضرورت اتخاذ رویکرد دقیق برای جلوگیری از تبدیل مالیات بر عایدی سرمایه به «مالیات بر ثروت» که مالیاتی مضاعف است، دغدغه جدی

- تقاضای سودآوری در بازار ارز و نگهداری ارز توسط افراد به دلیل انتظار افزایش قیمت در آینده موجب افزایش تقاضا و افزایش قیمت ارز می‌شود که در نهایت، با اثرگذاری بر قیمت کالاها و نهاده‌های وارداتی موجب کاهش قدرت خرید مردم می‌شود.

پاسخ پرسش ۱: آیا شرایط تورمی موجود در کشور، کارایی این نوع سیاست را از بین نمی‌برد؟ تورم موجب مخدوش شدن تمام جنبه‌های مالیات‌ستانی از درآمد اشخاص حقیقی می‌شود و به‌ویژه تأثیر مخربی در مالیات‌ستانی از عایدی سرمایه‌ای دارد. هنگامی که املاک و مستغلات (یا دارایی‌های مالی مانند سهام) فروخته می‌شود، بخش

عایدی کوتاه‌مدت (طبق تعریف ژاپن، کمتر از ۵ سال نگهداری)، ۲ برابر نرخ مالیات بر عایدی بلندمدت است.

همان‌طور که در جدول شماره ۱ ملاحظه می‌شود، نیمی از کشورهای مجری نظام مالیات بر عایدی سرمایه کوشیده‌اند مسئله تورم را در طراحی قوانین مالیاتی مدنظر قرار دهند. تلفیق این مشاهده با وضعیت شاخص‌های اقتصاد کلان کشورها به‌ویژه نرخ تورم چند دلالت مهم دارد.

- بر اساس نرخ تورم سال ۲۰۱۹ گزارش شده بانک جهانی، تنها ۷ کشور در مجموعه کشورهای مجری نظام مالیات بر جمع درآمد اشخاص حقیقی وجود دارد که تورم دورقمی و بعضاً سه‌رقمی را تجربه کرده‌اند. این کشورها، آرژانتین (تورم ۵۳/۵ درصدی)، پاکستان (تورم ۱۰/۶ درصدی)، نیجریه (تورم ۱۱/۴ درصدی)، سودان جنوبی (تورم ۱۸۸ درصدی)، سورینام (تورم ۲۱ درصدی)، ترکیه (تورم ۱۵/۲ درصدی) و ونزوئلا (تورم ۲۵۵ درصدی) هستند. از بین این کشورها، آرژانتین، سودان جنوبی و سورینام فاقد مالیات بر عایدی سرمایه هستند. پاکستان و ترکیه عایدی‌های سرمایه‌ای بلندمدت را از مالیات بر عایدی سرمایه معاف کرده‌اند. طبق قوانین پاکستان، املاک و مستغلات با نگهداری بیش از ۴ سال، از شمول مالیات مستثناست و مدت زمان نگهداری دارایی برای برخورداری از معافیت مالیات بر عایدی

سیاست‌گذاران کشورهای مختلف بوده است. بررسی تجربه کشورهای مورد بررسی در سال‌های ۲۰۲۰-۲۰۱۹، حاکی از اتخاذ پنج رویکرد متفاوت است.

دسته نخست از کشورها، گروهی هستند که در قوانین مرتبط با مالیات بر عایدی سرمایه، شاخص‌بندی هزینه‌های اکتساب نسبت به تورم را تصریح کرده یا عایدی اسمی را نسبت به تورم تعدیل کرده‌اند. به‌خاطر پیچیدگی‌های تعدیل نسبت به تورم (از جمله انتخاب شاخص قیمتی، نوع دارایی‌های تحت پوشش و دوره نگهداری آن‌ها، شاخص‌بندی نسبت به تورم گذشته یا تورم آتی و دیگر مسائل اجرایی)، کشورها رویکردهای دیگری اتخاذ کرده‌اند. در گروه دوم از کشورها، تنها بخشی از عایدی سرمایه مشمول مالیات می‌شود و نه کل آن. برای مثال، در کانادا، ۵۰ درصد عایدی سرمایه‌ای مشمول مالیات است و در ادبیات مالیاتی این کشور تصریح شده که دلیل اصلی اتخاذ چنین رویکردی، مسئله تورم است.

دسته سوم از کشورها، یک معافیت پایه دارند که هر ساله متناسب با تورم، شاخص‌بندی می‌شود. در گروه چهارم از کشورها، عایدی‌های بلندمدت را از شمول مالیات مستثنا می‌کنند که تعریف بلندمدت بودن از ۱ تا ۱۲ سال نگهداری دارایی، در کشورهای مختلف در نوسان است.

تمرکز گروه پنجم از کشورها روی نرخ مالیات است که از نرخ‌های مالیاتی متفاوتی برای عایدی کوتاه‌مدت یا بلندمدت استفاده می‌کنند. یکی از مثال‌های مهم آن، کشور ژاپن است که نرخ مالیات بر

به‌رغم برخورد ترجیحی با عایدی‌های بلندمدت سرمایه‌ای و اعمال نرخ‌های مالیات کمتر در مقایسه با عایدی‌های کوتاه‌مدت، دولت در سال ۲۰۱۸، لایحه اصلاحات مالیاتی برای شاخص‌بندی هزینه‌های اکتساب دارایی برحسب تورم را تنظیم کرد. در کانادا بحث‌های جدی درباره لزوم حرکت به سمت اصلاح مالیات بر عایدی سرمایه و لحاظ تورم در محاسبه عایدی واقعی سرمایه‌ای در محافل دانشگاهی و سیاست‌گذاری وجود دارد. بررسی مستندات مختلف حکایت دارد که حتی کشورهایی که در قوانین مالیاتی‌شان به‌طور غیرمستقیم در مقابل تورم موضع فعال اتخاذ کرده‌اند، در تلاش هستند تا با اصلاحاتی در نظام مالیاتی‌شان، در مسیر ارتقای بهینگی و کارآمدی حرکت کنند.



مهم‌ترین هدف اعمال مالیات بر عایدی سرمایه، حمایت از تولید و سرمایه‌گذاری مولد با محدود کردن فعالیت‌های سوداگرانه، کاهش نوسانات بازارهای دارایی از جمله خودرو، مسکن، طلا و ارز و نیز جلوگیری از افزایش قیمت ناگهانی در این بازارها، بهبود عدالت مالیاتی، ترغیب بنگاه‌ها به تأمین مالی داخلی و ارتقای کارایی (با توجه به اثر قفل‌شدگی) است.



سرمایه در ترکیه، دست‌کم ۵ سال است. مهم اینکه در پاکستان برای خشتی کردن اثر تورم، بخشی از عایدی سرمایه مشمول مالیات می‌شود که بسته به دوره نگهداری، متفاوت و از ۱۰۰ درصد برای طول دوره نگهداری کمتر از یک سال تا ۲۵ درصد برای طول دوره نگهداری ۳ تا ۴ سال در نوسان است.

- حتی کشورهایی که تورم‌های بسیار اندک ۱ و حتی ۰/۵ درصدی را تجربه می‌کنند، نسبت به مسئله تورم بی‌تفاوت نیستند. برای مثال، در ایرلند با تورم کمتر از ۱ درصد (حدود ۰/۹ درصد)، هزینه‌های خرید دارایی با استفاده از تورم شاخص‌بندی می‌شود و بدین ترتیب، عایدی سرمایه واقعی (و نه اسمی) مشمول مالیات می‌شود.

- کشورهای ایرلند، کره جنوبی، لوکزامبورگ، استرالیا، کانادا، فنلاند، ژاپن، ترکیه، پرتغال، انگلستان، ایالات متحده آمریکا، مکزیک و آلمان که از اعضای OECD هستند به‌استثنای ترکیه که نرخ‌های تورم اندکی را تجربه کرده‌اند نیز به‌نحوی کوشیده‌اند تا تعدیل نسبت به تورم را با استفاده از انواع راهکارهای یادشده در پیش بگیرند. در برخی کشورها به‌ویژه استرالیا، ایالات متحده و کانادا، لوايح متعددی برای اصلاح نظام مالیات بر عایدی سرمایه برای لحاظ مستقیم تورم و محاسبه عایدی سرمایه واقعی در سنوات مختلف تدوین شده است. برای مثال، در ایالات متحده

جدول ۱- نحوه برخورد با تورم در قوانین مالیات بر عایدی سرمایه‌ای املاک و مستغلات در کشورها

اسامی کشورها و توضیحات	نوع برخورد با تورم
بوئوسائونا، کلمبیا، جمهوری کنگو، قبرس، جمهوری دومینیکن، هند، ایرلند، کره جنوبی، لوکزامبورگ، مالاویا، مکزیک و پرتغال	شاخص‌بندی هزینه‌ها یا تعدیل عایدی نسبت به تورم
الجزایر (۷۰ درصد عایدی سرمایه‌ای)، استرالیا (۵۰ درصد)، کانادا (۵۰ درصد)، فنلاند (۴۰ درصد)، لبنان (به‌ازای هر سال نگهداری، ۸ سال عایدی سرمایه‌ای کسر می‌شود)، پاکستان (کل عایدی سرمایه‌ای با طول نگهداری کمتر از یک سال)، فیلیپین (۵۰ درصد عایدی به‌شرط نگهداری بیش از ۱۲ ماه)، پرتغال (۵۰ درصد) و آفریقای جنوبی (۴۰ درصد)	مشمول کردن بخشی از عایدی
گویان (عایدی حدود ۲۴۰۰ دلار معاف است)، استرالیا (معافیت ۱۸۲۰۰ دلار)، ایرلند (۱۴۹۵ دلار)، لوکزامبورگ (۵۸۸۲۲ دلار)، آفریقای جنوبی (۲۵۰۰ دلار)، تایوان (عایدی دارایی که بیش از ۶ سال نگهداری شده است تا سقف ۱۴۱۱۸ دلار)، انگلستان (معافیت ۱۲ هزارپوندی برای عایدی سرمایه در هر سال) و آمریکا (تا سقف ۴۰ هزار دلار برای افراد مجرد و ۸۰ هزار دلار برای افراد متأهل)	اعطای معافیت پایه که با تورم سالانه شاخص‌بندی می‌شود
بلاروس (بیش از ۵ سال)، بلغارستان (بیش از ۵ سال)، کروواسی (بیش از ۲ سال)، گرجستان (بیش از ۲ سال)، آلمان (بیش از ۱۰ سال)، گویان (بیش از ۱ سال)، هند (بیش از ۳ سال)، ایتالیا (بیش از ۵ سال)، لتونی (بیش از ۵ سال)، لبنان (بیش از ۱۲ سال)، پاکستان (بیش از ۴ سال)، لهستان (بیش از ۵ سال)، ترکیه (بیش از ۵ سال) و اوکراین (بیش از ۳ سال)	معافیت عایدی‌های بلندمدت
جمهوری کنگو (بیش از ۱۰ سال کاهش نرخ مالیات به ۵ درصد)، ژاپن (عایدی کمتر از ۵ سال با نرخ ۳۰ درصد و بیش از ۵ سال با نرخ ۱۵ درصد)، اسلوانی (نرخ مالیات ۲۷/۵ درصد، اما بعد از ۵ سال با نرخ ۲۰ درصد و بعد از ۱۰ سال، ۱۵ درصد و بعد از ۱۵ سال، ۱۰ درصد)، تایوان (نرخ مالیات بین ۱۵ تا ۴۵ درصد است، اما اگر دارایی بیش از ۶ سال نگهداری شود، به ۱۰ درصد کاهش می‌یابد)، تونس (کمتر از ۵ سال با نرخ ۱۵ درصد و بیش از آن با نرخ ۱۰ درصد)، آمریکا (عایدی‌های سرمایه‌ای کوتاه‌مدت با نرخ‌های درآمد عادی PIT و عایدی‌های بلندمدت - بیش از ۱۲ ماه - نرخ ۰ تا حداکثر ۲۰ درصد در نوسان است) و زیمبابوه (عایدی کوتاه‌مدت - کمتر از ۱ سال - با نرخ ۱۵ درصد و عایدی بلندمدت - بیش از ۱ سال - با نرخ ۵ درصد مشمول کاهش مالیات می‌شود).	کاهش نرخ مالیاتی

مأخذ: مهاجری (۱۴۰۱)

درنهایت، باید به این مسئله توجه کرد که اجرای طرح مالیات بر عایدی سرمایه دست‌کم در مستغلات و سهام و اوراق بهادار، اعمال مالیات بر کوتاه‌مدت و تا زمان رسیدن به بلوغ کافی نمی‌تواند موجب کاهش تورم و حل و فصل مشکلات ایجادشده در بازارهای ارز، خودرو، مسکن و... شود.

پاسخ پرسش ۲: این طرح چگونه با کنترل تقاضای سوداگرانه ارز مقابله خواهد کرد؟

۱. در بیشتر کشورها، اشخاص حقوقی مکلف‌اند تا تسعیر ارز و مانند آن را در دفاتر و صورت‌های مالی منعکس کنند. بدین ترتیب، درآمد مشمول مالیات و به تبع آن، میزان مالیات بر درآمد آن‌ها تحت تأثیر قرار خواهد گرفت.

- در ۹ کشور از ۱۲۴ کشور مورد بررسی (حدود ۷ درصد)، ارز و طلا مشمول مالیات است. در مصر و ایسلند، نگهداری این دارایی‌ها برای اهدافی غیر از کسب‌وکار، از شمول مالیات معاف است. در ترینیداد و توباگو نیز در صورت نگهداری بیش از ۱۲ ماه، دارنده ارز از معافیت برخوردار است. نرخ متوسط مالیاتی در این ۹ کشور حدود ۱۶/۹ درصد است.

جدول ۲- شمولیت عایدی سرمایه‌ای طلا، جواهر، سنگ‌های قیمتی و ارز در مالیات بر عایدی

اسامی کشورها و توضیحات	نوع دارایی
<p>مصر: اگر جواهرات در کسب‌وکار استفاده نشود، معاف است. در غیر این صورت با نرخ‌های PIT مشمول است. نرخ‌های مالیاتی نیز به صورت تصاعدی مشتمل بر ۰، ۱۰، ۱۵، ۲۰ و ۲۲/۵ درصد است (متوسط نرخ، ۱۵/۵ درصد).</p> <p>هندوراس: عایدی به دست‌آمده از فروش ارزهای خارجی با نرخ ۱۰ درصد مشمول مالیات می‌شود. ایسلند: در صورتی که در کسب‌وکار استفاده نشود، معاف است. در غیر این صورت با نرخ ۲۲ درصد مشمول است.</p> <p>لتونی: مالیات بر عایدی سرمایه‌ای رمزارز، نرخ ۲۰ درصد دارد.</p> <p>نیجریه: عایدی حاصل از فروش ارزهای خارجی با نرخ ۱۰ درصد مشمول مالیات است.</p> <p>رومانی: عایدی حاصل از فروش طلا با نرخ ۱۰ درصد مشمول مالیات است.</p> <p>ترینیداد و توباگو: ارزی که کمتر از ۱۲ ماه نگهداری شده باشد یا برای مصارف شخصی در کشورهای خارجی نباشد، با نرخ‌های ۲۵ و ۳ درصد مشمول مالیات است (متوسط نرخ، ۲۷/۵ درصد).</p> <p>انگلستان: عایدی حاصل از فروش ارزهای خارجی با نرخ ۱۰ یا ۲۰ درصد مشمول مالیات است (متوسط ۱۵ درصد).</p>	طلا، سنگ‌های قیمتی، ارز و رمزارز

مأخذ: مهاجری (۱۴۰۱)

- **هدف سوم: برقراری عدالت مالیاتی میان سوداگران و سرمایه‌داران با تولیدکنندگان و کارمندان**
- بر اساس قانون مالیات‌های مستقیم، در ایران تولیدکنندگان و مشاغل مشمول مالیات می‌شوند، اما سوداگران بازارهای ارز، سکه، زمین، مسکن و... مالیاتی پرداخت نمی‌کنند. این تفاوت موجب شده است برخی افراد صاحب سرمایه که می‌خواهند اقدام به سرمایه‌گذاری کنند، به جای تولید، انگیزه بیشتری برای فعالیت‌های غیرمولد داشته باشند. با توجه به اینکه در بسیاری موارد، عواید سوداگری در ایران از میانگین سود بسیاری از فعالیت‌های تولیدی بیشتر است، شاهد خروج سرمایه از بخش مولد اقتصاد به سمت سوداگری و انحراف سرمایه به سمت فعالیت‌های غیرمولد هستیم. گفته می‌شود با وضع مالیات بر عایدی سرمایه به دلیل کاهش بازدهی بازارهای دارایی، انگیزه افراد برای ورود به این بازارها کاهش می‌یابد و یکی از موانع ورود سرمایه‌ها به بخش مولد اقتصاد تضعیف می‌شود.
- پرسش چهارم: چگونه افزایش تمایل به معاملات غیررسمی در بازار برای فرار مالیاتی کنترل می‌شود؟**
- پرسش ششم: با توجه به معافیت بورس از مالیات بر عایدی سرمایه‌ای و عمق کم بازار**

رونق فعالیت‌های سفته‌بازانه باشد، به دلیل مشکلات ساختاری در فضای اقتصادی کشور به واسطه عوامل داخلی و خارجی و نااطمینانی موجود در این عرصه است. بنابراین، نمی‌توان انتظار داشت تنها به واسطه چنین مالیاتی بخش واقعی اقتصاد رشد کند. همچنین، بازده انتظاری در بازار سهام تحت تأثیر متغیرهای کلان اقتصادی مانند بازده بدون ریسک، تورم و ریسک نظام‌مند و غیرنظام‌مند صنایع است که تحت تأثیر این موضوع نیستند. بنابراین، اعمال مالیات بر عایدی سرمایه بر دارایی‌های غیرمولد نمی‌تواند موجب تغییر مبانی ارزش‌گذاری سهام شود. درباره هدایت بخشی از تقاضای سفته‌بازی به بورس، این موضوع با توجه به شرایط امروز بازار سرمایه بعد از رکود نزدیک به ۳ سال این بازار، در کوتاه‌مدت دور از ذهن نیست، اما میزان آن وابسته به چگونگی طبقه‌بندی موجود در بازارهاست. کوچ سرمایه‌گذاران خرد بین بازارها تابع میزان وابستگی آن‌ها به هر بازار است. به طور سنتی، سرمایه‌گذاران معمولاً عادت به یک بازار دارند و نسبت به تغییر آن اینرسی دارند.

باز هم با توجه به تجربه گذشته این امکان وجود دارد که بخشی از تقاضای سفته‌بازی به این بازار منتقل شود و در کوتاه‌مدت رونق نسبی در معاملات ایجاد کند، اما در بلندمدت عوامل دیگری جهت این بازار را تعیین خواهند کرد. با فرض ایجاد رونق عمده در بازار سهام لازم است تمهیدات مقتضی برای بهره‌مندی بخش واقعی اقتصاد و فضای تأمین مالی تولید از این رونق بازار ثانویه اتخاذ شود. همچنین، لازم است صیانت لازم از اعتماد و سرمایه اشخاص در این بازار

سرمایه، آیا تقاضای سوداگرانه و سفته‌بازانه در بورس شکل می‌گیرد؟

پرسش هفتم: ویژگی‌های اجرایی این طرح در برابر مالیات بر خانه‌های خالی چیست؟

پاسخ پرسش ۴: چگونه افزایش تمایل به معاملات غیررسمی در بازار برای فرار مالیاتی چگونه کنترل خواهد شد؟

افزایش هزینه فعالیت‌های نامولد در کشور با ابزاری مانند مالیات بر عایدی سرمایه به تنهایی ثمربخش نیست و لازم است هم‌زمان، محیط کسب‌وکار و سرمایه‌گذاری در کشور نیز بهبود یابد و رفع موانع موجود بر سر راه فعالیت‌های مولد و تولیدی در دستور کار قرار گیرد. در غیر این صورت اجرای این پایه مالیاتی می‌تواند خروج سرمایه از کشور، افزایش فعالیت‌های غیررسمی و بازارهای غیرشفاف را در پی داشته باشد.

پاسخ پرسش ۶: با توجه به معافیت بورس از مالیات بر عایدی سرمایه‌ای و عمق کم بازار سرمایه، آیا تقاضای سوداگرانه و سفته‌بازانه در بورس شکل می‌گیرد؟

مالیات بر عایدی سرمایه از دو منظر بر بازار سهام اثرگذار است. نخست، تأثیر این طرح بر کلیت فضای اقتصادی و بخش واقعی اقتصاد به‌عنوان مبنای ارزش‌گذاری بازار سهام و دوم، رونق معاملاتی بازار سهام به واسطه ایجاد رکود در دیگر بازارها و انتقال بخشی از فضای سفته‌بازی به بازار سهام. درباره تأثیر بر فضای کلی اقتصاد می‌توان گفت حرکت نکردن منابع مالی به سمت بخش‌های مولد اقتصادی و تولید، بیش از آنکه ناشی از

مؤثر برای محصولاتشان دیگر نیازی به سرمایه ورودی به بازار ثانویه ندارند و سرمایه ورودی نتیجه‌ای جز تورم دارایی‌ها ندارد.

پاسخ پرسش ۷: ویژگی‌های اجرایی این طرح

در برابر مالیات بر خانه‌های خالی چیست؟

یکی از راهکارهایی که برای ثبات بازار مسکن و جلوگیری از احتکار مطرح می‌شود، قانون مالیات بر خانه‌های خالی است. مسئله اصلی در بحث مالیات بر خانه‌های خالی، شناسایی این خانه‌ها و به‌نوعی ابزار لازم برای سیاست‌گذاری است، اما در حوزه وصول نیز عملکرد بسیار ضعیفی به ثبت رسیده است؛ البته این عملکرد ضعیف به دلیل اجرای ناقص یا عدم اهتمام سازمان امور مالیاتی نبوده است، بلکه بسترهای لازم برای شناسایی خانه‌های خالی و درنهایت، اخذ مالیات در قانون پیش‌بینی نشده است. مطابق با آمارهای رسمی، تا مهر سال ۱۴۰۱ بدون احتساب رقم مربوط به مرداد، در مجموع، تنها ۱ میلیارد و ۴۰۲ میلیون و هفتصد هزار تومان مالیات از این محل وصول شده است؛ یعنی در فروردین میزان وصول مالیات از خانه‌های خالی ۲ میلیون تومان، اردیبهشت ۸۰۰ هزار تومان، خرداد ۳ میلیون تومان، تیر ۱۷ میلیون تومان، شهریور ۴۶۲ میلیون و ۹۰۰ هزار تومان و مهر ۹۱۷ میلیون تومان بوده است. با توجه به آمارهای مورد اشاره، میزان مالیات‌های وصولی رشد جهشی داشته، اما همچنان رقم ناپذیرفتنی است. می‌توان گفت اجرای ناقص این پایه مالیاتی جدید نه تنها باعث بهبود وضعیت بازار مسکن نشده، بلکه موجب ناامیدی نخبگان و مردم از اجرای

به عمل آید تا این موضوع به تجربه تلخ گذشته افراد در این بازار منجر نشود. در این صورت می‌توان انتظار داشت که مالیات بر عایدی بتواند به‌عنوان عاملی مؤثر بر رونق اقتصادی نقش‌آفرینی کند.

از منظر دیگر، هدف از حذف سهام از دایره شمول مالیات بر عایدی سرمایه، حمایت از بازار سرمایه است. با این حال باید در نظر داشت که این نحوه سیاست‌گذاری، دستیابی به اهداف طرح را تحت تأثیر قرار می‌دهد، توزیع درآمد را به نفع صاحبان سهام مخدوش می‌کند و با سوق دادن منابع به سمت بازار ثانویه، منجر به تورم دارایی‌ها و بی‌ثباتی ناشی از آن می‌شود و آثار سوء بر تخصیص منابع دارد. در این مقوله، با کاهش بازدهی در دارایی‌های مشمول، خروج منابع از بازار ثانویه ملک و دیگر دارایی‌ها و ورود خوش‌بینانه آن به بازار ثانویه سهام، کاهش تقاضا برای تولید دیگر دارایی‌ها به‌خصوص ملک رقم می‌خورد. این کاهش تقاضای مؤثر که اصلی اساسی در اقتصاد است، باعث کاهش تولید ملک می‌شود و تمام حلقه‌های پیشین آن که شامل بیش از ۲۰۰ صنعت مرتبط با این بخش است از جمله سیمان، کاشی، شیشه، در و پنجره و... را دچار رکود می‌کند. به این ترتیب، صنایع مزبور دچار مازاد می‌شوند و چون در شرایط تحریم امکان صادرات برایشان محدود است، بنابراین، شاهد کاهش تولید، افزایش بیکاری و معضلات بعدی در این صنایع خواهیم بود. از سوی دیگر، بسیاری از این صنایع که با کاهش تقاضای مؤثر مواجه می‌شوند، متعلق به شرکت‌هایی هستند که در بورس اوراق بهادار فهرست شده‌اند. این شرکت‌ها نیز با کاهش تقاضای

نسبت به عایدی کسب‌شده از سرمایه و سوداگری مالیاتی پرداخت نمی‌کنند. این بی‌عدالتی مالیاتی موجب تشویق افراد اقتصادی به سمت فعالیت‌های غیرمولد می‌شود. ابزار مالیات بر عایدی سرمایه ضمن افزایش عدالت مالیاتی میان سرمایه‌داران، کارمندان و کارگران، با کاهش بازدهی فعالیت‌های سوداگرانه در بازارهای دارایی، زمینه را برای ورود سرمایه به سمت تولید و رونق اقتصادی فراهم می‌کند.

با توجه به حجم گسترده فرار مالیاتی در کشور و استفاده گروه‌های مختلف اقتصادی از حساب‌های شخصی برای فرار مالیاتی، پیاده‌سازی بستر اجرایی طراحی‌شده در این طرح با سامان‌دهی این حساب‌ها و معاملات اقتصادی مرتبط با آن‌ها موجب کاهش عمده فرار مالیاتی و در نتیجه، کاهش کسری بودجه و تورم می‌شود.

مالیات بر عایدی سرمایه برای تحقق اهدافی مانند تنظیم فعالیت بخش‌های مختلف اقتصادی، محدود کردن سوداگری در بازار کالاهای سرمایه‌ای، افزایش منابع عمومی، ایجاد عدالت اجتماعی و کاهش فاصله طبقاتی وضع می‌شود. این نوع مالیات افزون‌بر افزایش منابع عمومی، با کاهش جذابیت فعالیت‌های غیرمولد و انگیزه‌های سوداگرانه، نقش مؤثری در تنظیم بازارهای مختلف از جمله مسکن، خودرو، طلا و ارز ایفا می‌کند.

طراحی درست مالیات بر عایدی سرمایه منافع زیادی برای مردم و رشد تولید دارد و در مقابل، طراحی نادرست این پایه مالیاتی برای کشور خسارت‌بار است. ممکن است قانون‌گذار تنها هدف

طرح‌های اقتصادی جدید برای اصلاح مشکلات بازار مسکن شده است. در حال حاضر این نگرانی درباره طرح مالیات بر عایدی سرمایه نیز وجود دارد.

ملاحظات امنیت اقتصادی

در طرح مالیات بر عایدی سرمایه پیشنهادی وجود معافیت‌های گسترده موجب ناکارآمدی طرح در مقابله با سوداگری می‌شود؛ البته ضعف نظام آمار و اطلاعات اقتصادی و ضعف فرهنگ مالیاتی در ایجاد وضعیت کنونی کشور بسیار مؤثر بوده است، اما نباید از روش‌های فسادآمیز و غیرعلمی اخذ مالیات هم چشم‌پوشی کرد. اساساً وقتی خود دولت حاضر به ارائه آمارهای درست، دقیق و شفاف نیست، چگونه انتظار می‌رود که بتوانیم به نظام آماری نسبتاً دقیق و جامع از فعالیت‌های اقتصادی مردم دست یابیم. طراحی درست مالیات بر عایدی سرمایه منافع زیادی برای مردم و رشد تولید دارد و در مقابل، طراحی نادرست این پایه مالیاتی برای کشور خسارت‌بار است. ممکن است قانون‌گذار تنها هدف درآمدی یا اثر بازدارندگی این مالیات در برابر سوداگری یا ترکیبی از این اهداف را با رعایت عدم اختلال در کارایی اقتصاد مورد توجه قرار دهد، اما تحقق هر یک از این اهداف در گرو ساختار و سازمان‌دهی محورهای اصلی در طراحی این مالیات است.

نتیجه‌گیری و پیشنهاد راهکارها

در ایران تولیدکنندگان و کارمندان ملزم به پرداخت مالیات هستند در حالی که سرمایه‌داران و سوداگران



در مالیات‌ستانی بر مبنای تحقق عایدی، تقریبی دقیق‌تر از درآمد واقعی اقتصادی ارائه می‌دهد و منجر به کاهش اثر قفل شدن دارایی می‌شود، اما معایبی مانند افزایش پیچیدگی و هزینه‌های تمکین مؤدیان، افزایش فرصت‌های آربیتراژ و مشکلات کارایی و عدالت را نیز به دنبال دارد. برای همین، در برخی کشورها به‌ویژه کشورهای که نرخ تورم پایینی دارند، شاخص‌بندی اجرا نمی‌شود.

مسئله‌ای که در این بین پدیدار می‌شود، این است که آیا منافع این کار بیش از هزینه‌های مرتبط با پیچیده‌سازی سیستم مالیاتی است؟ در کشورهایی که با نرخ‌های بالای تورم دست‌وپنجه نرم می‌کنند، عدم شاخص‌بندی عایدی‌های سرمایه‌ای نسبت به تورم چه‌بسا موجب منفی شدن نرخ بازده حقیقی سرمایه‌گذاری در هر نوع دارایی شود. از این‌رو منافع شاخص‌بندی عایدی سرمایه در اقتصادهای با تورم بالا بیشتر از اقتصادهایی است که تورم‌های اندک دارند. بنابراین، تصمیم‌گیری درباره شاخص‌بندی به مجموعه‌ای از عوامل بستگی دارد و سیاست‌گذاران باید درباره آن تصمیم‌گیری کنند.

– نوع سیستم مالیات بر عایدی سرمایه (نظام جامع مالیات بر عایدی سرمایه یا نظام مستقل و جدا): بر اساس تعریف هگ سایمونز، هیچ‌گونه تفاوتی بین درآمد شغلی و درآمد ناشی از سرمایه وجود ندارد. از این‌رو درآمد جامع یا یکپارچه به مجموع تغییر در خالص ثروت هر فرد در دوره مدنظر به‌علاوه میزان مخارج مصرفی گفته می‌شود. این تعریف به‌نوعی بیان‌کننده افزایش در توانایی پرداخت مالیات توسط

درآمدی یا اثر بازدارندگی این مالیات در برابر سوداگری یا ترکیبی از این اهداف را با رعایت عدم اختلال در کارایی اقتصاد مورد توجه قرار دهد، اما تحقق هر یک از این اهداف در گرو ساختار و سازمان‌دهی محورهای اصلی در طراحی این مالیات است که در ادامه به مواردی از آن‌ها اشاره می‌شود.

– **انتخاب بار مالیاتی مناسب:** از آنجاکه مالیات بر عایدی سرمایه به روش تحقق‌یافته، هنگام فروش دارایی قابل اعمال است، ساده‌ترین راه برای اجتناب از پرداخت آن، عدم فروش دارایی است که اقتصاددانان از آن به «اثر قفل‌شدگی» یاد می‌کنند. وقتی دارنده یک دارایی بر این باور است که دارایی دیگری بازدهی بالاتری برایش فراهم می‌کند، فروش دارایی نخست و خرید دارایی دوم رفتاری عقلایی است، اما اگر نرخ‌های مالیات بر عایدی سرمایه به‌اندازه‌ای بالا باشند که شخص با بدهی مالیاتی جدی‌ای روبه‌رو شود، ممکن است از فروش دارایی اول منصرف شود. بدین ترتیب، اعمال مالیات بر عایدی سرمایه موجب اختلال در تصمیمات سبد دارایی اشخاص می‌شود. از این‌رو به موازات مباحث برابری، بار مالیاتی باید به‌گونه‌ای انتخاب شود که اختلالات در رفتار اقتصادی را به حداقل برساند.

– **شاخص‌بندی عایدی سرمایه‌ای نسبت تورم:** مالیات بر عایدی سرمایه درحقیقت، مالیات بر عایدی «واقعی» است که تورم‌زدایی شده باشد. از این‌رو هنگام وضع مالیات بر عایدی سرمایه لازم است هرگونه افزایش ناشی از تورم در عواید و هزینه‌های سرمایه‌ای از پایه مالیاتی خارج شود. شاخص‌بندی

- نحوه رفتار با عواید کوتاهمدت و بلندمدت: یکی از اهدافی که در حال حاضر در کنار اهداف بازتوزیعی و گسترش عدالت از طریق معرفی و پیاده‌سازی مالیات بر عایدی سرمایه پیگیری و دنبال می‌شود، کنترل و کاهش انگیزه‌های سوداگرانه در بازار برخی دارایی‌هاست. برای دستیابی به این هدف، رفتار متفاوت با عواید کوتاهمدت و بلندمدت لازم و ضروری است. پیشنهاد می‌شود برای کاهش انگیزه‌های سوداگرانه، متناسب با نوع دارایی، عواید کوتاه با نرخ‌های به‌شدت تصاعدی مشمول مالیات شوند. برای عواید بلندمدت نیز بعد از شاخص‌بندی می‌توان نرخ‌های مقطوع پایین‌تری را اعمال کرد.

- نحوه رفتار مالیاتی بعد از اتمام دوره نگهداری دارایی (اعمال نرخ صفر): یکی از چالش‌ها در طراحی مالیات بر عایدی سرمایه این است که آیا دارایی مشخص که قانون‌گذار به‌شرط نگهداری آن برای یک دوره مشخص، آن را مشمول رفتارهای ترجیحی قرار داده، پس از پایان این مهلت، مشمول مالیات است یا نه؟ بررسی نظام مالیاتی کشورهای منتخب نشان می‌دهد که در بعضی کشورها تنها سهام و اوراق بهادار از این امتیاز برخوردار هستند. در این باره می‌توان از کشورهای هند، پاکستان و ترکیه نام برد. بقیه کشورها پس از پایان دوره نگهداری دارایی هیچ‌گونه معافیتی (نرخ صفر) ارائه نمی‌دهند. به‌استثنای چند کشور محدود، بقیه کشورها برای جلوگیری از اجتناب و فرار مالیاتی، کاهش درآمدهای دولت و نیز جلوگیری از پیچیدگی و

شخص است. در چهارچوب این تعریف، هر شخص (خانواده) نسبت به عوایدی ناشی از واگذاری دارایی مالی و حقیقی خود صرف‌نظر از اینکه این عواید در قبال درآمد شغلی «سوداگرانه» یا حاصل از درآمد سرمایه‌ای باشد، مشمول مالیات است.

بررسی تجارب کشورهای مختلف نشان می‌دهد که این مالیات در اغلب کشورها در چهارچوب نظام مالیات بر جمع درآمد قرار می‌گیرد. در عمل برای پیگیری بهتر برخی اهداف، ممکن است با عواید حاصل از سرمایه رفتارهای متفاوتی شود. با توجه به ملاحظات یادشده به نظر می‌رسد سیاست بهینه اجرای مالیات بر عایدی سرمایه در قالب سیستم مالیاتی PIT و برای اغلب دارایی‌ها باشد؛ البته با توجه به فقدان نظام جامع مالیات بر درآمد در ایران و همچنین، نوپا بودن این مالیات، ممکن است اجرای نظام جامع مالیات بر عایدی سرمایه در کشور اجرایی نباشد. در این صورت گزینه بعدی که مشکلات سیاستی و اجرایی زیادی نیز دارد، اجرای این مالیات به‌صورت مستقل و جدا و برای یک‌سری عواید محدود است.

برای اجرای مالیات بر عایدی سرمایه، دو نوع سیستم مالیاتی تعهدی و تحقق‌یافته وجود دارد که انتخاب هر یک از آنها با ملاحظات متعددی روبه‌روست.

زیان برای دولت، وضع مقررات در این باره ضروری است.

- **وضع مالیات تصاعدی بر عایدی سرمایه:** برخی پژوهشگران با ارائه شواهدی مبنی بر اینکه بخش عمده‌ای از عایدی سرمایه نصیب اقشار پردرآمد جامعه می‌شود که روزبه‌روز شکاف درآمدی را تعمیق می‌کند، خواستار وضع مالیات‌های تصاعدی بر عایدی سرمایه هستند.

- **نحوه رفتار (معافیت یا عدم معافیت) با مسکن اصلی:** یکی از مسائل بسیار مهم در طراحی نظام مالیات بر عایدی سرمایه، نحوه رفتار با مسکن اصلی تحت سکونت مالک است. معافیت یا عدم معافیت این بخش، مشکلات و پیامدهای خاص خود را دارد. معافیت مسکن اصلی به‌رغم کاهش آثار قفل شدن دارایی‌ها، منجر به بروز برخی عدم کارایی‌ها می‌شود. براین‌اساس، باید تمام املاک مشمول مالیات بر عایدی سرمایه باشند. در مقابل، یکی از نگرانی‌ها در خصوص معافیت مسکن اصلی، احتمال سوق یافتن افراد از دیگر اشکال سرمایه‌گذاری به سمت سرمایه‌گذاری در مسکن شخصی است. این موضوع در زمان افزایش انتظارات قیمتی در این بخش، حادث‌تر نیز می‌شود. مشکلات اجرایی در تعیین مسکن اصلی شخص هنگامی که وی صاحب چندین ملک است، مسئله دیگری است که باید به آن اشاره کرد.

با توجه به مشکلات کشور در بخش مسکن از سویی و انگیزه بالای سوداگری و سفته‌بازی در این بخش از سوی دیگر، طراحی سیاست مالیاتی کارآمد

مشکلات اداری و تمکین، این امتیاز را حذف کرده‌اند. پیشنهاد می‌شود با توجه به شرایط کشور و جلوگیری از برخی مشکلات اداری، مانند دیگر کشورها از دادن این امتیاز پرهیز شود.

- **قابلیت کسر زیان از عواید سرمایه‌ای:** یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های مالیات بر عایدی سرمایه، قابلیت یا عدم قابلیت کسر زیان‌های سرمایه‌ای از عواید سرمایه‌ای است. سیستم مبتنی بر تحقق عایدی، افراد را به سمت نگهداری بلندمدت دارایی‌ها (قفل شدن دارایی) و نیز جلو انداختن زیان تشویق می‌کند. برای جلوگیری از این مشکلات، بسیاری از کشورها جبران زیان‌های سرمایه‌ای را تنها با عواید سرمایه‌ای مجاز می‌دانند و اجازه نمی‌دهند این زیان‌ها با دیگر درآمدها جبران شود. باین‌حال، اجازه انتقال این زیان‌ها به دوره‌های بعد یا جبران آن با درآمدهای آتی دارایی‌ها وجود دارد. در غیاب شرط جبران زیان از عواید سرمایه‌ای، اشخاص ممکن است دارایی زیان‌ده خود را در پایان سال بفروشند و زیان آن را با مالیات دارایی‌هایی جبران کنند که ارزش آن‌ها افزایش می‌یابد، اما به این زودی قابل فروش نیستند.

محدودیت کسر زیان ممکن است از سرمایه‌گذاری در طرحی خاص و ریسک‌پذیر جلوگیری کند؛ زیرا در آن طرح هر عایدی مشمول مالیات می‌شود، اما هیچ‌زیانی قابل کسر نیست. با توجه به تأثیر محدودیت کسر زیان سرمایه‌ای بر ریسک‌پذیری و آثار درآمدی عدم محدودیت کسر

منابع

- شاکری، عباس (۱۳۹۵). *اقتصاد ایران*. تهران: رافع.
- مهاجری، پریسا (۱۴۰۱). *مالیات بر عایدی سرمایه و آثار اقتصادی آن*. تهران: اتاق بازرگانی ایران.
- وبگاه بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.
- وبگاه صندوق بین المللی پول

در این بخش بسیار ضروری است. با توجه به تجارب موجود و وضعیت ایران، اعطای معافیت کامل به مسکن شخصی بدون اعمال برخی محدودیت‌ها و پیش‌شرط‌ها نمی‌تواند به دولت در تأمین اهداف مدنظر به‌ویژه افزایش عرضه مسکن و جلوگیری از سوداگری در این بخش کمک کند. بنابراین، لازم است مسکن شخصی در صورتی از مالیات بر عایدی سرمایه معاف باشد که اولاً، برای دست‌کم یک دوره ۵ ساله تحت مالکیت و سکونت شخص باشد. ثانیاً هرگونه واگذاری به قصد انتفاع در فاصله ۵ سال، مشمول نرخ‌های تنازلی باشد؛ به‌طوری‌که بالاترین نرخ در سال اول اعمال و به‌تدریج تا سال پنجم کاهش یابد. ثالثاً، از سال پنجم به بعد می‌توان به خانه‌های واقع در شهرها و مناطق مختلف شهری معافیت کامل یا معافیت پایه اعطا کرد و برای مترژهای بالاتر از حد معین این معافیت اعطا نشود. پس از لحاظ معافیت مزبور و نیز شاخص‌بندی (در صورت رسیدن به جمع‌بندی در این باره)، از خالص عایدی مسکن شخصی برخی اقسام، مناطق یا مترژها به نرخ تصاعدی مالیات اخذ شود.

نکته بسیار مهمی که در پایان باید به آن اشاره شود، اینکه برای تحلیل موضوعات مهم اقتصاد ایران باید مثلث دولت رانتهی، فعالان نامولد و نظریه‌پردازان کلیشه‌ای را در نظر گرفت. از این‌رو به شیوه‌های معمول نمی‌توان در اقتصادی که بخش‌های مولد و دولت رانتهی به دنبال منافع کوتاه‌مدت خود هستند، نسخه‌های اقتصاد پیشرفته باثبات و با حکمرانی خوب ارائه کرد.

